

منهای فوتبال

کولاکوویچ رسما فسخ کرد



پس از کش و قوس‌های فراوانی که در مورد فسخ قرار داد ایگور کولاکوویچ با تیم ملی والیبال ایران وجود داشت، فدراسیون والیبال قرارداد این مربی مونته‌نگرویی را رسماً فسخ کرد. این موضوع در حالی بود که قرار داد کولاکوویچ تا پایان بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ بود اما به دلیل تعویق این رقابت‌ها به خاطر کرونا، فدراسیون والیبال ایران به همکاری خود با این مربی ادامه نداد. طبق اعلام فدراسیون والیبال، پرونده همکاری این مربی اهل مونته‌نگرو روز یکشنبه ۳۱ فروردین (۱۹ آوریل) به صورت رسمی بسته شد. محمدرضا داوورنی رئیس فدراسیون والیبال ایران نیز روز گذشته پس از دریافت توافق‌نامه امضا شده کولاکوویچ برای پایان همکاری، از زحمات این مربی در مدت همکاری با تیم ملی والیبال ایران تشکر و قدر دانی کرد. این مربی بین‌المللی والیبال که پیش از پذیرش مسئولیت تیم ملی ایران، ۲۳ مدال در رنگ‌های مختلف در پرونده کاری خود داشت، در مدت سه سال هدایت تیم ملی ایران، به عنوانی قهرمانی مردان آسیا (۲۰۱۹)، قهرمانی بازی‌های آسیایی (۲۰۱۸)، سوومی جام بزرگ قهرمانان جهان (۲۰۱۷) دست یافت و به همراه تیم ملی والیبال ایران در رقابت‌های انتخابی المپیک در کشور چین، سهیمه بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو را به دست آورد. در حال حاضر نیز بحث انتخاب جایگزین کولاکوویچ به یکی از مهم‌ترین موضوعات این روزهای والیبال تبدیل شده است. بسیاری معتقدند والیبال نیاز به یک مربی تراز اول خارجی دارد، همچنین گروهی نیز بر این باور هستند که مربیان داخلی گزینه‌های بهتری برای نشستن روی نیمکت تیم ملی والیبال هستند.

■ ■ ■

سیل پیشنهاد بر ای غفور

امیر غفور پشت خطزن ۲۸ ساله تیم ملی والیبال ایران و لوبه ایتالیا است که تجربه‌های بسیاری را در دو سال گذشته با حضورش در لیگ ایتالیا کسب کرده است. او که فصل قبل به تیم مونز ایتالیا پیوست، با عملکرد عالی خود در اولین فصل حضورش در سری آ، این فصل نیز به تیم قدرتمند لوبه پیوست تا یکی از ستاره‌های این تیم باشد. غفور در این فصل با تیم لوبه قهرمان جام باشگاه‌های جهان شد و این برای اولین بار در تاریخ بود که یک بازیکن ایرانی این عنوان مهم را کسب می‌کند.

قهرمانی در جام حذفی ایتالیا نیز عنوانی دیگر بود که او در دومین فصل حضورش در ایتالیا، آن را تجربه کرد. امیر غفور که به دلیل مصدومیت نتوانست در هفته‌های پایانی تیم باشگاهی‌اش را همراهی کند و از حضور در رقابت‌های انتخابی المپیک همراه با تیم ملی هم محروم شد، برای فصل آینده با چند پیشنهاد جدی روبه‌رو شده است. تیم‌هایی از کشورهای لیستان، روسیه، قطر، ایتالیا و کره جنوبی خواهان جذب ستاره ایرانی شده‌اند که از جمله مهم‌ترین تیم‌ها می‌توان به ورو شو، زینت‌سن پترزبورگ، الریان، لاتینا و... اشاره کرد. قرار داد غفور با لوبه به پایان رسیده است و باید منتظر ماند و دید که ستاره ایرانی برای فصل آینده چه تصمیم خواهد گرفت. غفور پس از تعطیلی مسابقات سری آ به کشور بازگشت. غفور بلافاصله پس از رسیدن به ایران راهی شهرش شد تا دوران قرنظینه را در کاشان سپری کند.

■ ■ ■

حدادی، بهادر چین

حامد حدادی، بازیکن تیم بسکتبال نانجینگ که با تعطیلی لیگ چین در بهمن‌ماه به ایران آمده بود، با درخواست این باشگاه و اینکه قرار است مسابقات از ۲۷ فروردین دوباره آغاز شود، اوایل این ماه به چین بازگشت. او پس از ورود به چین و با توجه به قانون این کشور دو هفته در قرنظینه قرار داشت و پس از خروج از این وضعیت چند روزی است که تمریناتش را آغاز کرده است. در حالی که بازیکنان چینی این تیم به صورت گروهی تمرین می‌کنند، اما به حدادی گفته شده است انفرادی تمرین کند. هنوز وضعیت لیگ بسکتبال چین مشخص نیست و تیم‌ها و بازیکنان در بالاترکلیفی قرار دارند.

در باشگاه استقلال چه خبر است؟

لباس «جعلی» سوپر من!



مدیرعامل جدید باشگاه استقلال، کارش را با یک خروار وعده و وعید آغاز کرد. اگر او روبه‌روی دوربین تلویزیون، اعتراف می‌کرد که باشگاه در اوج بحران‌های مالی است و خروج از چنین وضعیتی به شدت دشوار به نظر می‌رسد و هیچ‌کس فعلاً نباید نقشه‌های دور و درازی در مورد این تیم داشته باشد، همه از اومی پذیرفتند اما سعادتمند قول‌هایی به تماشاگران استقلال داد که در شرایط فعلی، بیشتر به خواب و رویا شباهت داشتند. عجله او برای پوشیدن لباس «سوپر من» تا همین جا به ضرر کادر مدیریتی استقلال تمام شده است. چرا که ظاهر ا این لباس فعلاً جعلی از آب درآمده و اولین وعده بزرگ آقای مدیر، به بن‌بست خورده است.

چهره به چهره

فدراسیون فوتبال؛ بدون رییس و بدون جواب

نابودگران «خودی» هستند!

وقتی فدراسیون فوتبال بسا یک «رییس» اداره می‌شد، اوضاع در این نهاد اصلاً جالب نبود. حالا که حتی دیگر یک رییس مقتدر هم در این مجموعه وجود ندارد و حتی حضور بهاروند در سمت سرپرستی به لحاظ قانونی دارای اشکال است، دیگر نباید هیچ انتظاری از این مجموعه داشت. مهدی تاج به بهانه مشکلات قلبی، مدتی قبل از هدایت فدراسیون کنار رفته اما هنوز باید پاسخ قرار دادهایی که امضا کرده و ابهام‌هایی که به وجود آورده ا بدهد. با اسنادی که هر روز از فدراسیون به بیرون درز پیدا می‌کند، قلب فوتبال به مراتب رنجورتر از قلب مهدی تاج است. آقای مدیر اما همچنان از زیر پا پاسخگویی، شانه خالی می‌کند.

بلافاصله پس از انتشار اسنادی از پاداش‌های فیفا، «خرانه‌دار» فدراسیون فوتبال وارد عمل شد و بر اساس وظیفه سازمانی، همه چیز را تکذیب کرد. سلیمانی مدعی شد که اضافه پرداخت در رقم پاداش‌های جام جهانی برای کی‌روش، مربوط به دو قسط عقب افتاده از دستمزد او بوده و با نامه‌نگاری فدراسیون فوتبال انجام شده است. در درجه اول اینکه نهادی مثل فدراسیون فوتبال اصلاً چرا باید خرانه‌دار داشته باشد، در

از یک هوادار مقیم نرژ به عنوان فردی نام برد که پرداخت دستمزد دیپاته و میلیچ را پذیرفته است. این همان باشگاهی است که سعادتمند مدعی بود دیگر دستش را جلوی هوادارها دراز نمی‌کند و از این‌ پس، حتی به هوادارها کمک مالی هم خواهد کرد! آقای مدیر در استودیوی برنامه زنده فوتبال برتر، مدعی شد که دوران دست‌دراز کردن جلوی تماشاگرها سپری شده اما در اولین تصمیم مهم مدیریتی، دستش را مقابل یک هوادار دراز کرد اما حتی از این تصمیم نیز، نتیجه نگرفت و نتوانست بخشی از طلب‌شیخ و میلیچ را پرداخت کند. این حجم از تناقض میان گفتار و عملکرد سعادتمند، خیلی زود هواداران باشگاه را به نقطه اوج نگرانی رسانده است.

ظاهر ا به جز خود آقای مدیر، همه از نام برد که پرداخت دستمزد دیپاته مشکلات بزرگ استقلال اطلاع دارند. این تیم از یک سو در درآمدزایی با مشکلات زیادی روبه‌رو شده و از سوی دیگر، باید بخش زیادی از بدهی‌های خارجی را در آینده‌ای نزدیک تسویه کند. اینکه یک مدیر همین مسئولیت را به درستی انجام بدهد، تنها خواسته هواداران است اما سعادتمند ذهنش را درگیر مسائل دیگری کرده و از وعده‌های دور و دراز برای آینده حرف می‌زند. آن‌هم در شرایطی که استقلال برای همین «مروژ» مشکلات بزرگ و عمیقی دارد.

وعده‌های مدیر جدید باشگاه، بازیکنان استقلال را به شدت عصبانی کرده است. در درجه اول این عصبانیت، شامل حال مهره‌های

رسانه‌های بزرگ ورزشی کشور او را به باد انتقاد بگیرند؟ آیا او حتی در صفحه شخصی‌اش، به اندازه یک خط به این انتقادها پاسخ داده است؟ در نقطه دیگری از دنیا، روشن چنین سندی و اثبات دروغگویی فدراسیون، کار را به دادگاه و زندان می‌کشاند اما اینجا، تاج و رفقا همچنان استراحت می‌کنند و حتی سودای بازگشت به فدراسیون را نیز در سر دارند.

هر اظهار نظری از خرانه‌دار فدراسیون فوتبال، کوهی از تناقض را به این پرونده اضافه می‌کند. او اخیراً در مصاحبه دیگری مدعی شده که حقوق کارلوس کی‌روش، در فاصله یک سال به جام جهانی پرداخت نشده بود و این پرداخت، از محل پاداش فیفا صورت گرفت. اگر این ادعا صحت داشت، رقم دریافتی کی‌روش باید از محل پاداش‌ها از این رقم بیشتر می‌شد. سوال بزرگ اینجاست که فیفا، چطور دستمزد و پاداش کی‌روش را در یک بند گنجانده است؟ نهادی که هزینه نوسدینی اضافی را نیز در سند تیم ملی ایران آورده، چطور ممکن است این دو مختلف بهبه شده‌اند و دیگر هیچ‌اثری از آن‌ها اتفاق را، نتیجه اشتباه اپراتور فیفا می‌داند اما آن جافدراسیون فوتبال ایران نیست که برای لوله کشی ساختمان، اشتباها به محمد خاکیور زنگ بزنند! اظهار نظرهای فدراسیونی‌ها، سرشار از تناقض است. جالب اینکه دستمزد کی‌روش در این زمزمه‌ها، یک میلیون و ۴۰۰ هزار یورو عنوان شده است. این همان رقمی است که در

مصاحبه‌ها بین مدیران و بازیکنان باشگاه‌ها نیز همچنان ادامه دارد و هر کس می‌خواهد به نفع خودش، از آب گل آلود کرنا ماهی بگیرد.

باشگاهی مثل پرسپولیس، باید در کنار بیانیه نوشتن، سکوت کردن را هم بلد باشد. علی کریمی، الگوی خوبی برای آن‌ها خواهد بود. چهارم‌ای که در یک هفته گذشته، با انواع و اقسام حجمه‌ها روبه‌رو شد اما تا جیح داده بازی متکدیان توجه در فضای مجازی وارد نشود و پای خودش را از این بازی بیرون بکشد. کریمی تنها سکوت کرد و به کمک همین سکوت، شأن و جایگاهش را دوباره نشان داد. هر بازیکنی می‌تواند هر روز، مصاحبه‌ای علیه پرسپولیس به زبان بیاورد. باشگاه برای دفاع از خودش، شانس شکایت رسمی از این بازیکن را دارا داما نوشتن یک بیانیه برای هر مصاحبه‌بیش از حد نامید کننده به نظر می‌رسد. افرادی که بدون

خارجی تیم شده است. دیپاته و میلیچ، امیدوار بودند که این هفته، بخشی از مطالبات‌شان را دریافت کنند اما این موضوع حالا برای آن‌ها به یک ناامیدی بزرگ تبدیل شده است. فرشید اسماعیلی نیز از وضعیت فعلی، به شدت ناراضی به نظر می‌رسد. فرشید به عنوان یکی از مهره‌های کلیدی تیم، از وعده‌های بی‌سرانجام مدیران باشگاه به بازیکن‌ها به شدت عصبانی شده است. اینکه باشگاه استقلال، تنها به مهره‌های خارجی اهمیت می‌دهد و به دنبال جلب رضایت این مهره‌هاست، می‌تواند موجب چنددستگی در بین بازیکنان تیم شود. این یکی دیگر از چالش‌هایی است که مدیر جدید باید با آن دست و پنجه نرم کند. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که کار کردن در باشگاهی مثل استقلال، آسان است. هیچ‌کس

نمی‌تواند ادعا کند که آبی‌ها، در یکی از سخت‌ترین برهه‌های تاریخ‌شان قرار ندارند. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که بدهی‌ها، نفس استقلال را نگرفته‌اند. همه این صحبت‌ها دقیق و درست است اما هیچ‌کس هم چاقو را برای وعده دادن روی گلوئی مدیر باشگاه نگذاشته و از او نخواسته تا هر روز یک قول جدید به بازیکن‌ها و کادر فنی بدهد. در این شرایط سخت، زمزمه‌هایی از علاقه سعادتمند به بازگرداندن استراماچونی نیز شنیده می‌شود. زمزمه‌هایی که در نوع خود حیرت‌انگیز هستند. استقلال همین حالا، تا خرخره غرق در مشکلات مالی است و از طرفی، وزارت ورزش نیز به سرخابی‌ها توصیه کرده که با توجه به مشکلات انتقال پول، به سراغ مربی خارجی نروند. اسم بردن از یک

سعادتمند قول‌هایی به تماشاگران استقلال داد که در شرایط فعلی، بیشتر به خواب و رویا شباهت دارند. عجله او برای پوشیدن لباس «سوپر من» تا همین جا به ضرر کادر مدیریتی استقلال تمام شده است. چرا که ظاهر ا این لباس فعلاً جعلی از آب درآمده و اولین وعده بزرگ آقای مدیر، به بن‌بست خورده است

مربی غیرقابل دسترس برای باشگاه، بزرگ‌ترین بی‌احترامی به پروژه فرهاد مجیدی در استقلال است. سعادتمند روزهای شلوغی را در استقلال سپری می‌کند. این روزهای شلوغ البته به جای جلسه با مدیران پولساز و شرکای تجاری و حامیان مالی استقلال، به جلسه با کمدین‌ها و بازیگرهای درجه دوم تلویزیون می‌گذرد. معلوم نیست امثال امیر غفارمنش و امیرنوری، چطور می‌توانند در بحران به استقلال کمک کنند. مدیرعامل پیشین پرسپولیس نیز، چنین رفتارهای عوام‌گرایانه‌ای داشت و حتی در چندبازی روی سکو‌ها بین هوادارها نشست اما در عمل، بخشی از بدترین قراردادهای ممکن را به پرسپولیس تحمیل کرد و هیچ تلاشی در جهت پرداخت بدهی‌های تیم انجام نداد. آبی‌ها به هیچ‌وجه نمی‌خواهند که مدیر جدید، چنین سرنوشتی داشته باشد. ملاقات هر روز با کمدین‌ها، شاید مقدمه‌ای برای یک تراژدی در استقلال است.



ر انباید به این مربی محدود کرد. او انقدر زرنگ بوده که نتوانسته با استفاده از اهرم‌های فشار، پول‌های زیادی از فدراسیون دریافت کند و حتی برای مترجمش نیز، پاداشی سنگین بردارد. آن چه تاسف‌بار به نظر می‌رسد، ضعف و وادادگی فدراسیون فوتبال ایران در مواجهه با این مربی است. همه افرادی که در زمان توافق با کی‌روش بر سر پاداش‌ها در فدراسیون حضور داشتند، باید پاسخگوی این پنهانکاری آشکار و این دروغ بزرگ باشند. به نظر می‌رسد حتی نهادهای غیرفوتبالی و سازمان بازرسی، باید به این ماجرا ورود کنند و اجازه ندهند چند مدیر، به سادگی همه دارایی‌های فوتبال ایران را به باد بدهند و درباره این ماجرا، دروغ به هم بیافند.

سند و مدرک موفقیت‌های پرسپولیس را زیر سوال می‌برند، باید پاسخگوی رفتار خودشان باشند اما کی‌خواندن در رسانه‌های رسمی و مهم باشگاه، هیچ کمکی به بهبود اوضاع نخواهد کرد. چقدر خوب بود اگر از فصل تعطیلی فوتبال، برای بیشتر لذت بردن از این رشته ورزشی و اهمیت بخشیدن به اتحاد به جای نفاق و دشمنی، قدم‌هایی برداشته می‌شد اما به نظر می‌رسد این روزها، تیم‌های مختلف با بی‌صبری در انتظار شروع مسابقه‌ها هستند تا هر چه زودتر جویند خرخره یکدیگر را آغاز کنند. تلخ و تاسف‌بار است که فوتبال ایران، حتی در زمان بحران همگانی نیز قدمی در جهت یکپارچه کردن هواداران فوتبال بر نمی‌دارد و فوتبال در هیچ شرایطی، به‌عاملی برای کنار یکدیگر قرار دادن مردم تبدیل نمی‌شود. این فوتبال هیچ ارزشی ندارد وقتی به جای زمین بازی، به سنگری از یک جبهه جنگی تبدیل می‌شود.